



فقر و فساد ره‌آورد سه دهه حاکمیت عبدالله صالح بر یمن

برپایه آمارهای منتشره توسط سازمان شفاف سازی بین‌المللی در سال 2010 از میان 178 کشور جهان، یمن از حیث فساد اقتصادی رتبه 146 را کسب کرد.

برپایه آمارهای منتشره توسط سازمان شفاف سازی بین‌المللی در سال 2010 از میان 178 کشور جهان، یمن از حیث فساد اقتصادی رتبه 146 را کسب کرد. فساد حکومتی و اقتصادی، فقر و بیکاری ره‌آورد بیش از سه دهه حاکمیت علی عبدالله صالح بر یمن است.

به گزارش فارس، بحرآن یمن که بیش از سه ماه از آغاز آن می‌گذرد، باوجود سرکوب شدید علی عبدالله صالح و نیروهای امنیتی و نظامی‌اش همچنان ادامه دارد و معارضان یمنی بر استمرار و تداوم مبارزه و کناره‌گیری صالح از قدرت تاکید دارند.

مقاله زیر به قلم "حسن الحاشی" تحلیلگر و نویسنده جهان عرب در موسسه آمریکایی "کارنگی" نگاهی به آخرین وضعیت اقتصادی حاکم بر یمن پیش از آغاز انقلاب این کشور دارد تا بیش از پیش خواننده را با پس‌زمینه‌های آغاز این انقلاب آشنا و آفاقی از آینده پیش‌رو یمن ارائه دهد.

* پیوستن روسای قبایل و مقامات یمنی به انقلابیون

با پیوستن رهبران و قبایل و نمایندگان پارلمان و مسئولان و مقامات دولتی به تظاهرات کنندگان یمنی که خواستار کناره‌گیری علی عبدالله صالح، دیکتاتور یمن از قدرت هستند، انقلاب یمن وارد مرحله جدیدی از مبارزه شد.

* تلاش علی عبدالله صالح برای آرام کردن معارضان

اگرچه علی عبدالله صالح که از سال 1978 قدرت را در یمن در دست دارد، در تلاش برای آرام کردن معارضان یمنی وعده داد که در انتخابات سال 2013 شرکت نکرده و قدرت را به پسرش محول خواهد کرد. همچنین در همین راستا به دولت خود دستور داد، مجموعه تدابیر اقتصادی را برای بهبود اوضاع معیشتی در یمن اتخاذ کرد. بسته پیشنهادی دولت یمن برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم این کشور افزایش 25 درصدی حقوق کارمندان دولت و کاهش 50 درصدی مالیات بر درآمد و اختصاص یارانه بیش از پیش به مواد غذایی را دربرمی‌گرفت. اگرچه دولت یمن تلاش کرد به این وسیله خشم معترضین یمنی را فروبنشانند با این حال با این اقدام خود ثابت کرد که همچنان به مشکلات و معضلات اساسی نهفته در پس این اعتراضات بی‌توجه است.

* یمن فقیرترین کشور جهان عرب

یمن همچنان فقیرترین کشور جهان عرب است، میانگین درآمد سالیانه هر فرد در این کشور فراتر از 1300 دلار نیست و حدود نیمی از جمعیت این کشور روزانه بیش از 2 دلار درآمد ندارند و از حیث میانگین‌های رشد دارای بدترین و پایین‌ترین میانگین‌ها است، بگونه‌ای که فقط 54 درصد از مردم این کشور توان خواندن و نوشتن دارند و میانگین امید به زندگی در آن 62 سال و میانگین مرگ و میر و سوء تغذیه کودکان از جمله بالاترین میانگین‌ها در جهان است. همچنین یمن از کمبود ساختارهای زیر بنایی و نبود خدمات به شدت رنج می‌برد، بگونه‌ای که از هر 10 نفر در یمن 4 نفر از برق و از هر 4 نفر یک نفر به آب آشامیدنی و بهداشتی دسترسی دارد.

* یمن با جمعیتی جوان و اقتصادی درحال ورشکستگی

میانگین رشد جمعیت در یمن تقریباً 3 درصد است و انتظار می‌رود تا سال 2030 میلادی جمعیت این کشور به 40 میلیون نفر برسد. در این میان بیش از نیمی از این جمعیت پایین‌تر از 15 سال و 70 درصد نیز پایین‌تر از 25 سال خواهند بود و گروه سنی 18 تا 30 بیش از 30 درصد جمعیت یمن را به خود اختصاص خواهد داد و بر این اساس می‌توان گفت، حدود نیمی از جمعیت این کشور توانایی ورود به بازارهای کار و اشتغال را خواهند داشت.

با این که بر اساس این پیش‌بینی‌ها جمعیت یمن شاهد رشد مثبت خواهد بود، اما این به معنای بهبود اوضاع اقتصادی در این کشور نیست، چرا که اصلاحات اقتصادی که این کشور پس از اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی در سال 1990 انجام داد، نه تنها از مشکلات اقتصادی این کشور نکاست، بلکه بالعکس آثار زیان‌باری نیز بر اقتصاد این کشور برجای گذاشت، بگونه‌ای که قدرت خرید مردم به

شکل نگران کننده‌ای کاهش و تقاضا برای خرید تولیدات داخلی نیز به تبع آن کاهش یافت و بسیاری از مراکز و موسسات تولیدی تعطیل شدند.

* تشدید فقر با تکیه بر اقتصاد متکی بر صادرات نفت

اقتصاد متزلزل و ضعیف و متکی بر نفت یمن با چالش‌های جمعیتی فزاینده‌ای نیز مواجه است که دلیل اصلی آن را باید در فقر حاکم بر کشور جستجو کرد، درآمد نفت بیش از 25 درصد از تولید ناخالص ملی و 70 درصد از درآمدهای دولت و بیش از 90 درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد و ناکامی در تکیه بر اقتصاد غیر نفتی و ایجاد زمینه‌های رشد و نمو آن از جمله توجه به اقتصاد متکی بر کشاورزی، صنعت، بازرگانی و گردشگری موجب تشدید فقر در این کشور شده است.

* ناکامی دولت در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی

با این که درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یمن طی دهه 90 به اوج خود رسید و سرمایه‌گذاران خارجی استقبال خوبی از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت این کشور به عمل آوردند اما بالا و پرهزینه بودن صادرات این محصول و کاهش سودهای حاصله از آن به سرعت سرمایه‌گذاران خارجی را به تجدید نظر در سرمایه‌گذاری در یمن و در حوزه نفت آن واداشت. با این که دولت یمن طی سال‌های اندک گذشته اصلاحاتی جهت بهبود شرایط و فضای سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به عمل آورد و تلاش کرد، سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر نفتی تشویق کند، اما باز نتوانست در این زمینه موفق نشان دهد. نبود ثبات سیاسی و ضعف حاکمیت قانون و ناتوانی دولت و فساد گسترده در میان سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی؛ ضریب ریسک سرمایه‌گذاری در این کشور را به شدت افزایش داده است.

* یمن جزو 10 کشور اول مبتلا به فساد اقتصادی در دنیا

برپایه آمارهای منتشره توسط سازمان شفاف سازی بین‌المللی در سال 2010 از میان 178 کشور جهان یمن از حیث فساد اقتصادی رتبه 146 را کسب می‌کند، این درحالی است که میانگین بیکاری در این کشور بسیار بالا بوده و رسماً به 16.5 درصد می‌رسد، درحالی آمارهای غیر رسمی از میانگین 50 درصد بیکاری در میان جوانان یمنی حکایت دارد.

* اختصاص تنها 5 درصد از بودجه دولت به بخش آموزش

اما در بعد آموزش دولت یمن تنها 5 درصد از درآمد ناخالص داخلی خود را به بخش آموزش اختصاص می‌دهد و حتی تحصیلکردگان این کشور و صاحبان مدارک دانشگاهی با کمبود یا نداشتن مهارت‌های لازم جهت برآوردن نیازها و خواسته‌های بازار تقاضا مواجه هستند.

* کشاورزی ابتدایی و عقب مانده

از حیث بازار کار با این که بخش کشاورزی حدود 30 درصد نیروی کار و فرصت‌های شغلی را به خود اختصاص می‌دهد و از هر 4 فرصت شغلی یکی از آنها مربوط به بخش کشاورزی است، با این حال کشاورزی یمن سنتی، ابتدایی و متکی بر کشاورزی دیم است.

* رکود در بخش گردشگری

بخش گردشگری نیز که می‌تواند، یکی دیگر از بخش‌های درآمدزا و جذب کننده نیروی کار در این کشور باشد، در اثر ناآرامی‌های اخیر سیاسی آسیب‌های فراوان و بسیاری دیده است. بر این اساس و با توجه به داده‌های فوق عجیب نیست اگر یمن در تحقق مشروعیت سیاسی و ایجاد اقتصاد مولد با شکست مواجه شود. عوامل فوق بر این نکته تأکید می‌کنند که یمن باید به هر طریق ممکن راه پیشرفت و ترقی را برای آینده در پیش گیرد.

* برکناری عبد الله صالح اولین گام در راه بنای یمن پیشرفته

به همین منظور و پیش از هر اقدامی یمنی‌ها باید پس از برکناری علی عبد صالح از قدرت به دنبال بنای موسسات و ساختار قدرتمند سیاسی باشند تا توان مبارزه و مقابله با فساد و اعمال حاکمیت قانون در کشور را داشته باشد. در گام دوم یمنی‌ها باید در پی وضع و تدوین سیاست‌های اقتصادی سالم برای مبارزه با فقر و بیکاری و اداره نادرست منابع ملی و عمومی باشند؛ چه در غیر این صورت و در راستای کاهش درآمدهای دولت و ضعف و ناتوانی آن و درگیری‌های داخلی نمی‌توان آینده

روشنی را برای این کشور رقم زد.

* کمک کشورهای منطقه به بنای اقتصادی پیشرفته در یمن

و اخیراً این که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین کشورهای منطقه باید راهبردهایی را برای افزایش فرصت‌های اقتصادی و به تبعیت از آن فرصت‌های شغلی در یمن ارائه دهند و زمینه افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور را بیش از پیش فراهم نمایند، چرا که تنها با این اقدامات است که می‌توان آینده روشنی برای یمن در نظر گرفت.